

زندگی بانوان زنجانى

در ۵۰ سال پیش

اثر: مسکینه حاجى على اکبرى

سرشناسه :	حاجی‌علی‌اکبری، سکینه، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور :	زندگی بانوان زنجان در ۵۰ ساله پیش / اثر سکینه حاجی‌علی‌اکبری.
مشخصات نشر :	زنجان : سلاله زنجان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری :	۱۲۰ ص. : مصور (بخشی رنگی).
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۵۷۲۱-۲۵-۰
موضوع :	زنان - ایران - زنجان - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
رده بندی کنگره :	HQ۱۷۳۵/۲ / ۹۹۱۳۹۰
رده بندی دیویی :	۳۰۵/۴۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی :	۲۵۵۹۹۰۲
تاریخ درخواست :	۱۳۹۰/۰۹/۰۵
تاریخ استخوای :	۱۳۹۰/۰۹/۰۷
کد پیگیری :	۲۵۵۸۹۱۲



شناسنامه کتاب

نام کتاب: زندگی بانوان زنجان در ۵۰ سال پیش

مؤلف: سکینه حاجی علی اکبری

ناشر: انتشارات سلاله زنجان تلفن: ۳۲۲۱۱۰۳

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

جلد اول

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

چاپ : سلاله نور تلفن: ۳۲۲۱۱۰۳

صحافی : نقش جهان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۲۱-۳۵-۰

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

بیوگرافی

بنام خدا

اینجانب سکیه حاجی علی اکبری فرزند آقای حاج علی آقا حاج علی اکبری که در بازار زنجان از جمله معتمدین و عضو هیئت امنای چندین تکیه و مسجد بودند و مغازه ی خامه فروشی داشتند می باشم و متأسفانه ایشان را در تیر ماه ۱۳۸۸ از دست داده ام . مادرم بانو حاجیه عادله شفقتیان بانویی معتقد و باایمان هستند . در زنجان و محله ی سیدلر و کوچه امام جمعه بدنیا آمده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر زنجان به اتمام رسانده و در سال ۱۳۵۰ به خدمت آموزش و پرورش درآمده و در حین خدمت به تحصیلاتم ادامه داده ام. همسرم فضل ا... دلیری نیز دبیر ادبیات و بازنشسته آموزش و پرورش هستند .

خواهران و برادرانم همگی تحصیل کرده و فرهنگی و هنر دوست هستند ، یکی از برادرانم بنام تقی حاج علی اکبری که فارغ التحصیل

هنرستان صنعتى شهيد مطهرى بود در سال ۱۳۶۰ در جبهه هاى جنگ تحميلي بدرجه ي رفيع شهادت نائل آمده است . خودم نويسنده نيستم ولي نوشتن را دوست دارم . اين مجموعه را بتا به پيشهاد استاد گرامى جناب آقاى حاج آقا شكوهى سردبير محترم و صاحب امتياز روزنامه ي شهاب زنجان به تحرير كشيده ام .

از افتخارات اين نوشته اين است كه : به سميع و نظر استادان گرامى : جناب آقاى دكتور على هشترودى و جناب آقاى دكتور هوشنگ ثبوتى رسيده و نظراتى از ايشان را بصورت مکتوب دارم كه در پايان كتاب چاپ شده است . در اين مورد از خواهران گرامى مينا معينى و فريده صفائيان كمال تشكر و امتنان را دارم .

با تشكر از ناشر محترم

سكینه حاج على اكبرى ۱۳۹۰/۳/۱۵

فهرست تيترهاى مطالب

- ۱- مراسم خواستگارى ۶
- ۲- مراسم نامزدى ۹
- ۳- مراسم عروسى ۱۶
- ۴- مراسم شب حنايندان ۲۱
- ۵- مراسم روز عروسى ۳۱
- ۶- جشن پايتختى ۳۸
- ۷- مراسم حمام رفتن بانوان ۴۰
- ۸- حمام زايمان ۵۰
- ۹- کارهای موردی سالانه ۵۶
- ۱۰- رختشویی بانوان زنجانى ۶۴
- ۱۱- تهيه ذغال برای زمستان در منازل ۶۹
- ۱۲- خانه تکانى بانوان زنجانى ۷۲
- ۱۳- خانه تکانى عيد ۷۷
- ۱۴- کارهای عيد و دید و بازدید زنان ۷۹
- ۱۵- آماده سازی های بهار و تابستان برای زمستان ۸۱
- ۱۶- گرفتن رب گوجه فرنگى ۸۶
- ۱۷- نان پختن زنان زنجانى ۹۱
- ۱۸- آموزش قرآن به کودکان ۹۴
- ۱۸- عبادت بانوان زنجانى ۹۸

مقدمه

زندگی

زندگی چیست؟ زیستن، گشتن، حرکت کردن، کار و خوردن و خوابیدن. ولتر نمایشنامه نویس بزرگ می گوید: «خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن». هر چه است زندگیست، بد یا خوب، سهل یا آسان، راست یا کج، و...

زندگی امروز یک زندگی ماشینی است، بیشتر کارها توسط ماشین های مختلف انجام می شود لیکن در چند سال پیش که ماشین ها اختراع نشده بودند، همه ی کارها با نیروی دست و بدن انجام می گرفت. زندگی پنجاه سال پیش را در نظر مجسم می کنم، می بینم خیلی شنیدنی و جالب است و شنیدن این مطالب حالی از لطف نیست این زندگی بخصوص زندگی بانوان زنجانى برای ما ثابت می کند که مادران و مادر بزرگان ما چه زحمت ها و مرارت هایی کشیده اند تا فرزندانشان را به عرصه وجود برسانند و بزرگ کنند. بعضی از

این مطالب را خود به خاطر می آورم و بعضی دیگر را از مادرم و مادر بزرگم و بزرگان دیگری که شنیده ام و پرس و جو کرده ام به رشته تحریر می کشم ، امید است این مجموعه ، مجموعه ای بدرد بخور برای چاپ باشد .

به امید خداوند تبارک و تعالی

سکینه حاجی علی اکبری

۸۴/۵/۱

بنام خدا

مراسم خواستگاری

وقتی جوانی به سن رشد می رسید به فکر ازدواجش می افتادند . در این میان تصمیم اصلی را زنان فامیل که عبارتند از : « مادر ، عمه ، خاله ، مادر بزرگ ، خواهرهای بزرگتر جوان » می گرفتند . دختری را در نظرمی گرفتند ، اگر از فامیل بود که دیگر غصه ای نداشتند با یک بار رفتن به منزل آن ها و با مادر عروس صحبت کردن کفایت می کرد که سپس صحبت های مردان فامیل همان و سر گرفتن عروسی همان .

اگر دختر غریبه ای غیر از فامیل را در نظر می گرفتند . معمولاً ۳ نفر چادر سیاه بسر « در آن زمان چادر سیاه جزو لباس های رسمی بود و در مواقع عادی چادرهای گل دار بسر می کردند » و لباس های نو که یکی از چادر بسرها مسن بود و دو نفر دیگر جوان تر که مشخص می شد این ها خواستگار هستند . بدون وقت قبلی و خبر دادن در خانه